



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۲۵

عمر اسحاق

نوری که در دوازدهم ربیع الاول درخشید

دوازده ربیع الاول آغاز یک تحول بزرگ در تاریخ بشریت بود و در آن شب آسمان با آنهمه پهنایش و زمین با همه باشندگان بزرگترین رویداد تاریخ را تجربه کرد.

بلی! در آن شب نور درخشان ملائیک از عقب ابر های تاریک ظلمت و جهالت پرتو افشانی میکرد، و صدای ضعیف شیطان و شیطان پرستان را که دیگر رمقی نداشت به خاموشی میکشید.

در آن شب ابلیس وحشت کرده بود، آسمان و زمین در تحول عجیبی قرار داشت و به یکباره بت هبل یعنی مظهر شرک و جهالت بر زمین افتید، ستون پایه های قصر کسری که مظهر ظلم و بی عدالتی بود بر زمین فروریخت، و آتشکده زرتشت که مظهر شرک و خرافات بود بعد از صد ها سال ناگهان خاموش گشت، و تخت نشینان ظالم و جاهل خود را در خطر سقوط یافتند.

و آهسته آهسته شبهای ظلمانی به پایانش نزدیک شد و در آن لحظات اساس تاریخ، خورشید حقیقت دل تاریکیها و شبهای ظلمانی را درید و نور امید را در دل مظلومان جهان روشن ساخت و محمد رسول الله آخرین فرستاده خدا چشم به جهان هستی گشود، و چون فصل بهار که آغاز زنده شدن زمین است او هم با قدومش دلها را زنده ساخت و خنده و تبسم را در لبان مظلومان و ستم کشیده گان چون شگوفه های بهاری شگفتانده و شهر مکه و مدینه میعادگاه دلباختگان حق و حقیقت شد.

بلی! محمد صلوٰة الله علیه وسلم پا در جهان هستی گذاشت تا سعادت را بر بشریت هدیه نماید و بشریت را در معراج انسانیت قرار دهد. خداوند او را در آوان کودکی چنان آراست که بار گران شرک، جهالت، حسادت، کینه، حرص، ظلم، خیانت، برتری قومی و نژادی و هر آنچه که برای تن و روانش بار گران بود با انشراح صدر وجود مبارکش را از آن همه شقاوتها پاک ساخت، و چنان او را آراست که در عفووان جوانی باشندگان سرزمین مکه او را امین شهر مکه لقب دادند. او یعنی محمد در آن دیار شرک و خرافات چنان با بیداری و هوشیاری زیست که تندیس های شهر مکه را به باد انتقاد گرفت و بر لات و منات و هبل و عزی نفرین فرستاد، ولی او در همان آوان جوانی به خدای ابراهیم و اسماعیل میدیشید و عشق الله یکتا در دلش موج میزد و برای راز و نیازش دور از انظار مشرکین شهر راه پرخم و بیچ کوه حرا را درپیش میگرفت و با معشوقش راز میگفت، و پیوند روح و روانش چنان با مالکش گره میخورد که شبها و روزها در قله کوه سرش را در آستان حق میگذاشت و مست حق میشد. در شبی از شبها موقعیکه در بلندای کوه حرا روحش را بسوی افق های دور به پرواز کشیده بود و در مدح خالقش اذکار میگفت ناگهان حادثه ئی را تجربه میکند که اسلافش چون ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و موسی و عیسی و دیگر پیامبران الهی علیهم سلامها آنرا در صده های تاریخ تجربه کرده بودند، و این بار جبرئیل امین پیام توحید را بر محمد مصطفی میرساند و برایش مژده میدهد که خداوند او را در بین میلیونها انسان روی زمین پذیرفته و به پیامبری اش برگزیده و بعد چیزی را برایش عرضه میدارد تا بخواند اما محمد رسول خدا که سواد خواندن و نوشتن را نداشت میگوید من خوانا نیستم جبرئیل او را سه مرتبه در بین بازوانش فشار میدهد و مرتبه سوم چشمان محمد امی توانا میشود و اولین آیت کلام خدا را چنین میخواند اقرا بسم ربک الذی خلق، بخوان بنام پروردگارت که بیافرید، و بیافرید آدمی را از خون لخته، بخوان و پروردگار تو بزرگوار است، **خدائی که بوسیله قلم آموزش داد**، و به آدمی آنچه را که نمیدانست بیاموخت، الی اخیر سوره، و این جوان امی که روزگاری را در عقب رمه های گوسفند در صحرا به چوپانی مشغول بود و اصلاً سواد خواندن و نوشتن را نداشت اما با قبول این پیام الهی ناگهان در محدود زمان کوتاه فقط در يك شب در مدرسه غار کوه حرا این مرد امی به بزرگترین و دانشمند ترین مرد جهان مبدل میشود و چنان شهرتش در سراسر دنیا طنین میندازد که میلیونها تن از باشنده گان زمین همراه با نخبکانشان مقابل این مرد بزرگ یعنی محمد

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

رسول خدا زانو میزنند و از افکار و اخلاقش بهره میگیرند و او را شایسته احترام میدانند و همه روزه پنج وقت نامش بر زبانها جاری میشود، و آنانی هم که تا هنوز نتوانسته اند به دلایلی از اسلام بهره بگیرند اما همینکه بدون تعصب در ژرفای کتاب وحی یعنی قرآن عمیق میشوند محمد را رسول خدا و کتابش را معجزه الهی میدانند. این پیامبر گرامی وحی الهی را با نهایت امانتداری از دارالخلافت اش که همان کلبه معقرش در مدینه بود بر جهانیان عرضه داشت که این کتاب وحی الهی به مثابه نوری بود که از مکه و مدینه برخاست و اضافه از نیمی جهان را روشنی بخشید و امروز امید آن میرود تا پیروان راستینش آن نور درخشان را گسترش بیشتر دهند تا همه جهانیان از فیض کمالاتش بهره مند شوند. دوستان و عزیزان مسلمان، این خجسته ایام را بر شیفتگان رسالت مبارک باد میگویم.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په څير و لولئ